علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰ «ویژهٔ پژوهش‌های قرآنی»، بهار ۱۴۰۵، ص ۱۹۰-۲۰۴

# تحلیل مستندات عدالت بین‌نسلی؛ در پرتو آموزه‌های کتاب، سنت و زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی

راحله فدوی[۱]/ فرنوش شمیلی[۲]/ علی محمدیان[۳]

**چکیده:** عدالت بین‌نسلی به مثابه یکی از ارکان توسعه پایدار، ناظر بر رعایت حقوق نسل‌های آینده در بهره‌برداری از منابع می‌باشد. پژوهش حاضر نظر به خلاء پژوهشی موجود، با کاربست روش توصیفی-تحلیلی، درصدد امکان‌سنجی و تبیین مبانی رعایت عدالت میان نسل‌ها می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های اسلامی با استناد به شواهدی از کتاب، سنت، دلیل عقلی و مؤیدات اخلاقی، مسئولیت نسل حاضر در قبال آیندگان را به‌مثابه یک تکلیف اثبات می‌کند. جستار حاضر نتیجه می‌گیرد که فقه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های خود، می‌تواند مبانی مستحکمی برای سیاست‌گذاری‌های پایدار در حوزه زیست‌محیطی فراهم آورد. علاوه بر این، پژوهش حاضر با طرح رویکرد زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی به مثابه مؤیدی بر عدالت بین‌نسلی، نشان می‌دهد که حفاظت از مواهب طبیعی نه تنها یک وظیفه شرعی، بلکه پاسداشت نظم و جمال الهی و تضمین حق بهره‌مندی نسل‌های آینده از زیبایی‌های آفرینش است که خود از منظر شرعی و عقلی قابل دفاع می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت بین‌نسلی، کتاب، سنت، قاعده لاضرر، دلیل عقل، مسئولیت اخلاقی، زیبایی‌شناسی زیست محیطی.

---

* دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰؛ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰.

۱. راحله فدوی: دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. r.fadavi@tabriz.iau.ir
۲. فرنوش شمیلی: دانشیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
f.shamili@tabriz.iau.ac.ir (نویسنده مسئول)
۳. علی محمدیان: دانشیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران.
mohammadian@buqaen.ac.ir

## ۱- بیان مسئله

عدالت، در زمره محوری‌ترین مفاهیم در آموزه‌های دینی (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۴۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج۴، ص۱۳۱) و یکی از اهداف اصلی تشریع احکام قلمداد شده است (ر.ک: منتظری، ۱۴۲۹، ص۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص۵۹). شهید مطهری در این زمینه معتقد است اصل عدالت از مقیاس‌های بنیادین شریعت اسلام است که باید بررسی شود چه چیزی بر آن منطبق می‌گردد؛ زیرا عدالت در سلسله علل احکام جای دارد و نه در سلسله معلولات؛ بدین‌معنی که نه اینکه هر آنچه دین گفت عدل می‌باشد، بلکه آنچه عدل است دین همان را می‌گوید (مطهری، ۱۴۰۳، ص۱۴).

با توجه به اهمیت عدالت، در دوران معاصر، مفهوم عدالت ابعاد گسترده‌تری یافته و «عدالت بین‌نسلی» به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه پایدار و اخلاق جهانی مطرح شده است. عدالت نسلی به معنای رعایت حقوق نسل‌های آینده و ایجاد تعادل بین نیازهای نسل حاضر و حفظ حقوق و فرصت‌های نسل‌های آتی است.

این مسئله به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های عصر حاضر، همچون بحران‌های زیست‌محیطی (تغییرات اقلیمی، تخریب جنگل‌ها، آلودگی آب و هوا)، اتمام منابع طبیعی تجدیدناپذیر (مانند سوخت‌های فسیلی) و مواردی از این دست، از اهمیت حیاتی برخوردار شده است. پرسش اصلی اینجاست که آیا نسل حاضر مجاز است تمام منابع و فرصت‌ها را به هزینه محرومیت نسل‌های آینده به مصرف برساند؟ به عبارت دیگر دغدغه مهمی که در این زمینه به‌وجود آمده است این است که آیا نسل حاضر تنها نسبت به منافع و مصالح خود مسئول است یا در برابر آیندگان نیز تکلیف دارد؟ در پاسخ بدین پرسش، نوشتار حاضر می‌کوشد با مراجعه به آموزه‌های فقه امامیه، به تحلیل مسئله مزبور بپردازد؛ چه اینکه علیرغم اهمیت موضوع، در حوزه فقه اسلامی، این مسئله به‌ویژه در قالب یک بحث نظام‌مند و تحلیلی، کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است.

در همین راستا با توجه به خلأ پژوهشی موجود، تحقیق حاضر درصدد است تا با تمرکز بر مبانی فقهی، حدود و ثغور «عدالت نسلی» را در چارچوب فقه امامیه

بررسی کند و نشان دهد که فقه اسلامی می‌تواند با استفاده از منابع سترگ شرعی (کتاب و سنت) و ظرفیت‌های موجود در میراث مکتوب فقهی، ضامن عدالت بین‌نسلی باشد.

از حیث روش پژوهش، جستار حاضر از نظر رویکرد، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. داده‌های تحقیق از کتاب و سنت و نیز متون فقهی اصیل و دست‌اول امامیه استخراج و سپس طبقه‌بندی و تحلیل خواهد شد.

## ۲- معناشناسی عدالت نسلی

عدالت در اصل به معنای مساوات به‌کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص۵۵۱). خلیل‌بن‌احمد عدالت را سخن و حکمی می‌داند که در میان مردم پسندیده و مورد قبول باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۲، ص۳۸). بسیاری از فقیهان عدالت را کیفیتی نفسانی دانسته‌اند که فرد متّصف به آن را بر پایبندی به تقوا و مروّت وا می‌دارد، و این حالت با پرهیز از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره تحقق می‌یابد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج۸، ص۵۰۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج۱۰، ص۲۷۶). واژه نسل نیز توسط شمار زیادی از اهل لغت به فرزند معنا شده است: «النسل: الولد لتناسل بعضه بعد بعض» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۷، ص۲۵۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج۵، ص۴۲۰؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج۱۰، ص۶۵۶۹). ابن‌منظور معتقد است نَسْل به معنای فرزند و ذریه نیز به‌کار می‌رود و جمع آن «أَنْسَال» است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج۱۱، ص۶۶۰). در باب معنای اصطلاحی نسل باید گفت فقیهان این واژه را تعریف نکرده و ظاهراً هنگامی که آن را به کار می‌برند همان معنای لغوی را اراده می‌نمایند که در این حالت، واژه نسل به معنای فرزند و مشتقات آن به کار می‌رود؛ مثلاً هنگامی که سخن از تکثیر نسل به میان می‌آید مراد از آن فزونی و گسترش فرزندان می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج۷، ص۱۰؛ کرکی، ۱۴۱۴، ج۱۲، ص۹). در این میان عدالت نسلی نیز به معنای رعایت حقوق و فرصت‌های نسل‌های آینده در بهره‌برداری از منابع طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، به‌گونه‌ای که نسل حاضر در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات خود، موجب محرومیت یا کاهش توانایی نسل‌های بعدی نشود.

سال بیست و سوم، شمارهٔ ۹۰، بهار ۱۴۰۵

### ۲-۱: رویکرد زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی:

در کنار تعاریف فقهی، «عدالت نسلی» را می‌توان از منظر زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی نیز مورد واکاوی قرار داد. این رویکرد که ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد، بر این باور است که طبیعت، صرفاً انبوهی از منابع مادی برای بهره‌برداری نسل حاضر نیست، بلکه جلوه‌ای از جمال و کمال الهی و نظم دقیق و زیبای آفرینش را به نمایش می‌گذارد. قرآن کریم با عباراتی چون «زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ» (ملک/۵) و «وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (ق/۷) بر بُعد زیبایی‌شناختی خلقت تأکید می‌کند. از این منظر، محروم کردن نسل‌های آینده از مناظر طبیعی بکر، جنگل‌های سرسبز، اقیانوس‌های پاک و گونه‌های متنوع جانوری، نه تنها تضییع حق حیات، بلکه سلب حق تمتع جمالی و ادراک زیبایی‌های الهی از ایشان تلقی می‌شود. بنابراین، رعایت عدالت بین‌نسلی در این چارچوب، به معنای حفظ سرمایه طبیعی به گونه‌ای است که آیندگان نیز بتوانند همانند نسل حاضر، از تماشا و تدبر در زیبایی‌های خلقت بهره‌مند شده و به شکرانه این نعمت‌ها، به عبودیت و معرفت الهی نایل آیند.

## ۳- ادله و مستندات عدالت بین‌نسلی

اگرچه در بادی امر به نظر می‌رسد مسئله عدالت نسلی از آنجا که از مباحث نوپدید در حوزه فقه اجتماعی است دارای مستندات روشنی در تراث دینی نباشد؛ اما در عین حال، به تقریری که در ادامه ذکر می‌شود، می‌توان ریشه‌های عمیق در قرآن و سنت و آموزه‌های فقهی و اخلاقی برای این مهم برشمرد.

### ۳-۱: کتاب (قرآن)

در باب مبانی قرآنی عدالت نسلی، به ایضاح دو آیه که به نظر می‌رسد مناسبت تام و ربط وثیقی با بحث حاضر داشته باشند، پرداخته می‌شود؛ هرچند که می‌توان با تأمل بیشتر در آیات شریفه دیگر، به نتایج بیشتری نیز دست یافت.

**الف: هود/۶۱**

خداوند در آیه شریفه فوق می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا». اوست خدایی که شما را از زمین پدید آورده و خواسته است که آبادش نمایید.

تبیین دلالت آیه مزبور بر عدالت نسلی نیازمند تحلیل واژگان و مفاهیم آن است. عبارت «أَنْشَأَكُمْ» از ریشه «ن-ش-أ» به معنای برآوردن، ایجاد کردن و پدید آوردن به‌طور ابتدایی و بدون بهره‌گیری از هیچ‌یک از وسایل و علل می‌باشد: «و الإنشاء الإيجاد ابتداء من غير استعانة بشيء من الأسباب» (طوسی، بی‌تا، ج۶، ص۱۵).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود واژه مزبور بر خاستگاه مشترک تمام انسان‌ها از زمین تأکید دارد و نشان می‌دهد که انسان جدا از زمین نیست، بلکه جزئی از آن و پرورده آن است. واژه «اسْتَعْمَرَكُمْ» نیز از باب «استفعال» از ریشه «ع-م-ر» به دست می‌آید. ریشه «عمر» به معنای آبادانی، عمران، زندگی، تمدن و برپایی است. باب «استفعال» نیز بر طلب و خواستن دلالت داشته و دلالت بر وجوب آبادانی زمین می‌نماید (سیوطی، ۱۴۲۸، ج۱، ص۱۵۱). این واژه یک مسئولیت الهی یعنی آبادانی و عمران زمین را برای انسان مشخص می‌کند: «وَ اِسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» أي جعلكم عمار الأرض بأن مكنكم من عمارتها و أحوجكم إلى السكنى فيها» (طبرسی، ۱۴۰۸، ج۵، ص۲۶۴). یعنی شما را آبادکنندگان زمین قرار داد، به گونه‌ای که عمارت و آبادانی آن را تحت اختیار شما قرار داد و شما را محتاج سکونت در آن نمود.

در همین راستا به نظر می‌رسد ترکیب دو مفهوم فوق، «أَنْشَأَكُمْ» و «اسْتَعْمَرَكُمْ»، یک چارچوب کامل را ارائه می‌دهد و آن اینکه خاستگاه انسان زمین است و وی برای آبادانی در آن گماشته شده است. بدین معنا که حق سکونت و بهره‌برداری از زمین، در گرو تکلیف آبادانی و عمارت آن است و بهره‌برداری باید به گونه‌ای باشد که منجر به ویرانی و نابودی نشود، بلکه منجر به عمران و آبادانی بیشتر گردد.

آیه مزبور از چند منظر متضمن مفهوم عدالت نسلی می‌باشد؛ اول آنکه دلالت بر مسئولیت امانی وی دارد. آیه نشان می‌دهد انسان مالک مطلق زمین نیست، بلکه یک

امین و عامل عمران است که از طرف خداوند (مالک حقیقی) مأموریت دارد. این امانت، تنها به نسل حاضر تعلق ندارد، بلکه زمین، امانتی است که باید به سلامت به نسل‌های بعدی تحویل داده شود. در ثانی حق بهره‌برداری نسل حاضر از زمین، مشروط به رعایت شرط عمران است. بهره‌برداری‌ای که منجر به خرابی و ویرانی شود، نقض صریح غرض آیه است. بنابراین، نسل حاضر فقط مجاز است به میزانی از منابع استفاده کند که به قابلیت زمین برای آبادانی و بهره‌برداری توسط نسل‌های آینده لطمه‌ای وارد نکند.

شایان توجه آنکه در آیات دیگر قرآن (مانند روم/۴۱)، به صراحت از «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ» سخن گفته شده است. از این حیث به نظر می‌رسد آیه «استعمرکم» در نقطه مقابل «افساد فی الارض» قرار می‌گیرد. بنابراین، هر عملی که مصداق افساد باشد، ناقض عمران است و از آنجایی که نابودی منابع، مصداق بارز افساد است، نسل حاضر اگر این منابع را نابود سازد، مرتکب گناه شده و حق نسل آینده را تباه ساخته است.

### ب: الأعراف/۳۱

آیه شریفه «کُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ»، در نگاه اول یک دستور اخلاقی کلی به نظر می‌رسد؛ چه اینکه شأن نزول آیه درباره قبیله «بنی عامر» است که در ایام حج، جز به ضرورت غذا نمی‌خوردند و از خوراک لذیذ پرهیز می‌کردند تا حجّ خود را بزرگ شمارند (جرجانی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۱۴۱؛ استرآبادی، ۱۳۹۴، ص۱۶۶). لکن همان‌گونه که اندیشوران امامی تأکید کرده‌اند خصوص سبب موجب تخصیص عام نمی‌شود: «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب» (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج۱۰، ص۴۰۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ج۱۳، ص۳۳۳)؛ لذا آیه معنای عامی را در نظر دارد و آن پرهیز از اسراف و تضییع نعمت‌های الهی است (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ج۱، ص۹۶).

بنابراین به نظر می‌رسد یکی از ادله استوار قرآنی برای مسئله عدالت نسلی به شمار رود. توضیح آنکه فراز «لَا تُسْرِفُوا» (اسراف نکنید)، یک حد و مرز برای بهره‌برداری مشخص می‌کند. «اسراف» از ریشه «س-ر-ف» به معنای تجاوز از حد اعتدال، زیاده‌روی، و

مصرف بی‌رویه است (قرشی، ۱۴۱۲، ج۳، ص۲۵۷). همچنین عبارت «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِين» (بی‌گمان او اسرافکاران را دوست ندارد)، اسراف را به سطح یک گناه الهی ارتقا می‌دهد و دوست نداشتن خداوند، نشان‌دهنده قبح ذاتی این عمل است: «إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ أي يبغضهم، لأنه سبحانه قد ذمهم به، و لو كان بمعنى لا يحبهم و لا يبغضهم، لم يكن ذما لهم و لا مدحا» (نراقی، ۱۴۱۷، ص۶۲۲).

همچنین باید توجه داشت که اسراف تنها به حیف و میل کردن غذا یا هدر دادن آب محدود نمی‌شود و مطابق دیدگاهی استوار اسراف مفهومی بسیار گسترده دارد و هر امری که عقلای جامعه آن را زشت و ناروا قلمداد کرده و به ضرر انسان منجر شود، نیز اسراف و نامشروع است: «ما استقبحه العقلاء و عاد بالضرر عليكم فهو أيضا إسراف لا يحل» (نراقی، ۱۴۱۷، ص۶۲۲).

در این زمینه گفته شده است که قدرت و دامنه شمول ادله مربوط به اسراف و تبذیر چنان گسترده است که حتی کوچک‌ترین مصادیق آن را در بر می‌گیرد و هرگونه تضییع حتی اندک از نعم الهی نیز شامل آن می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص۳۲).

در همین راستا دلالت این آیه بر عدالت نسلی از چند منظر قابل استنباط است. اول اینکه آیه به صراحت حق بهره‌برداری نسل حاضر از نعمت‌ها را مشروط به رعایت اصل عدم اسراف می‌کند. بنابراین، نسل حاضر مجاز نیست تمام منابع را تا آخرین مقدار مصرف کند، زیرا این کار مصداق بارز اسراف است. این مصرف باید به اندازه‌ای باشد که سهم نسل‌های آینده نیز از منابع طبیعی محفوظ بماند؛ لذا مصرف کردن سهم آیندگان، اسراف محسوب می‌شود. همچنین از آنجایی که اسراف به معنای تجاوز از حد است، مصرف کردن بیشتر از سهم عادلانه خود، به معنای تجاوز به حق دیگران است. نسل‌های آینده نیز در منابع طبیعی مشترک زمین حقّی مسلم دارند. بنابراین، مصرف بی‌رویه نسل حاضر و محروم کردن نسل‌های آینده، نه تنها اسراف، که ظلم به آنان است.

به‌نظر می‌رسد علاوه بر نهی از اسراف اقتصادی، آیه شریفه را می‌توان ناظر بر اسراف جمالی نیز دانست. اسراف جمالی به معنای بهره‌برداری‌هایی است که به تخریب

چشم‌اندازهای طبیعی، آلودگی بصری محیط زیست یا انقراض گونه‌های زیبای جانوری و گیاهی منجر می‌شود. این نوع اسراف، اگرچه مستقیماً با کمبود منابع مادی مرتبط نیست، اما به طور قطع به کیفیت زندگی و سرمایه زیبایی‌شناختی که باید برای نسل‌های آینده به ارث برسد، لطمه می‌زند. بنابراین از آنجا که غرض الهی از آفرینش، صرفاً تأمین معیشت نیست، تخریب این زینت و زیبایی، مصداق روشن تجاوز از حد و اسراف در مفهوم عام آن خواهد بود که خداوند آن را روا نمی‌دارد. لذا حفظ زیبایی‌های طبیعی برای نسل‌های آینده، نه یک امر تفننی، بلکه ضرورتی عقلی در راستای پرهیز از اسراف محسوب می‌شود.

### ۳-۲: سنت

روایاتی در میراث حدیثی امامیه وارد شده‌اند که می‌توان به مدلول آن‌ها در فرض مسئله استناد نمود.

#### الف: روایت عیاشی از «ابان‌بن تغلب»

عیاشی در تفسیر خود از «ابان‌بن تغلب» نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «آیا می‌پنداری خداوند به هر کس عطا کرده، از کرامت و شرافت او بوده و از هر کس که منع کرده، به سبب خواری و بی‌ارزشی او بوده است؟ هرگز چنین نیست؛ بلکه مال، مالِ خداست که آن را به‌سان امانت نزد برخی از مردمان قرار داده و برای آنان روا ساخته که به اندازه و میانه بخورند و بیاشامند... پس هر کس چنین کند، خوردنش حلال است و نوشیدنش حلال... و هر کس از این فراتر رود، آن (بهره‌برداری) بر او حرام است. سپس حضرت (ع) فرمودند: «اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج۲، ص۱۳).

به‌نظر می‌رسد این روایت از دو جهت بر مسئله عدالت بین‌نسلی دلالت دارد: ۱- امانت بودن منابع برای نسل‌های آینده؛ زیرا از آنجا که مال، مال خداست و نسل حاضر فقط امین آن است، این امانت تنها به نسل حاضر تعلق ندارد؛ بلکه نسل‌های آینده نیز سهمی از این امانت الهی دارند. بنابراین، نسل حاضر حق ندارد تمام امانت را مصرف کند و چیزی برای آیندگان باقی نگذارد. ۲- عدم جواز مصرف سهم آیندگان: مطابق مدلول

روایت، مصرف کردن به اندازه نیاز شخصی حلال است، اما مصرف کردنِ سهم دیگران (از جمله نسل‌های آینده) که از حد فراتر رود، مجاز نیست.

**ب: روایات ناظر به حفاظت از محیط زیست**

در روایات بسیاری از آسیب زدن به محیط زیست نهی شده است. از باب نمونه از امام جعفر صادق علیه‌السلام نقل شده است که: «لَاتَقْطَعُوا الثِّمَارَ فَيَبْعَثَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْعَذَابَ صَبّاً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۲۶۴). درختان میوه را قطع نکنید که خداوند بدین سبب بر شما عذاب سختی فرود می‌آورد.

در روایتی دیگر از پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که: «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمُ الْفَسِيلَةُ فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَنْ لَاتَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا» (نوری، ۱۴۰۸، ج۱۳، ص۴۶۰). اگر قیامت برپاشود و در دست یکی از شما نهالی باشد، اگر قادر باشد برنخیزد تا آن نهال را غرس نماید، باید این کار را انجام دهد.

روایت نخست با نهی صریح از قطع درختان میوه، بر حفظ منابع طبیعی تأکید می‌کند. روشن است که درختان میوه نه تنها برای نسل حاضر منبع تغذیه و زندگی هستند، بلکه استمرار سلامت و زندگی نسل‌های آینده نیز به آنها وابسته است. از این حیث محروم کردن آیندگان از ثمره درختان، مصداقی از تضییع حق‌الناس و بی‌عدالتی بین نسلی است و همین معناست که امام علیه‌السلام آن را مستوجب عذاب الهی دانسته‌اند.

همچنین روایت دوم نهایت اهتمام اسلام به آبادانی و استمرار زندگی را نشان می‌دهد. توصیه نمادین پیامبر به غرس درخت حتی در آستانه قیامت، به معنای پایبندی به مسئولیت اجتماعی و زیست‌محیطی در برابر آیندگان است. غرس درخت عملی است که ثمر آن معمولاً در آینده و برای نسل‌های بعد ظاهر می‌شود، نه برای فرد غارس. بنابراین این روایت تأکیدی بر وظیفه مسلمان در حفظ و انتقال میراث طبیعی و محیط زیستی به نسل‌های بعدی دارد.

**۳-۳: قاعده نفی ضرر**

مفاد قاعده که ریشه در حدیث نبوی «لَاضَرَرَ وَلَاضِرَار» دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج۵، ص۲۹۳؛

طوسی، ۱۴۰۷، ج۷، ص۱۴۷)، آن است که در نظام حقوقی اسلام، هیچ حکم ضرری تشریع نشده است. بنابراین هر حکمی که اصل جعل یا استمرار آن، به زیان افراد یا جامعه بینجامد، در شریعت نفی گردیده است. به تعبیر دیگر، قاعده لاضرر یک اصل فراگیر و جهان‌شمول است که بر همه احکام شرعی سایه افکنده و مانع از آن می‌شود که احکام دینی منتهی به زیان گردد (جعفری، ۱۴۱۹، ص۸۷).

در هر صورت به‌نظر می‌رسد همان‌گونه که برخی از اندیشوران تصریح کرده‌اند، در واقع شریعت برای قاعده لاضرر نسبت به سایر احکام حق «وتو» قائل شده است (مطهری، ۱۳۷۶، ج۱۹، ص۱۲۲)؛ لذا دلالت‌های این قاعده فراتر از روابط فردی و زمانی محدود بوده و به‌درستی می‌توان آن را چراغی هدایت‌گر برای تنظیم روابط بین نسلی و تحقق عدالتی فراگیر دانست؛ زیرا عدالت نسلی به این معناست که نسل حاضر در بهره‌برداری از منابع و مواهب طبیعی و همچنین در ایجاد تغییرات در محیط زیست، مسئولیتی اخلاقی و حقوقی در قبال نسل‌های آینده دارد. این نسل‌ها که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته‌اند، فاقد هرگونه نماینده و قدرتی برای دفاع از حقوق خویش هستند. در اینجاست که قاعده نفی ضرر با نگاهی آینده‌نگرانه و عمیق، پا به عرصه می‌گذارد. از این حیث هر اقدام و تصمیمی که نسل حاضر انجام می‌دهد، نباید به گونه‌ای باشد که برای نسل‌های آینده ضرر غیرقابل جبرانی ایجاد کند.

علاوه بر این، قاعده لاضرر تنها به نفی اقدامات ضرربار اکتفا نمی‌کند، بلکه با توجه به برخی تفسیرها، دائر مدار نفی هرگونه حکم و قانونی است که موجب تضییع حق یا وارد آوردن زیان می‌شود. این بدان معناست که قوانین و مقررات حاکم بر جامعه، اعم از اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی، باید به گونه‌ای طراحی شوند که منجر به انتقال ضرر به آیندگان نشوند.

### ۳-۴: استظهار عقلی

در فقه امامیه، عقل در کنار کتاب، سنت و اجماع به‌عنوان یکی از ادله چهارگانه استنباط احکام شناخته می‌شود (شهید اول، ۱۴۱۹، ج۱، ص۵۲؛ کاشف‌الغطا، ۱۳۸۱ق، ج۱،

ص۱۶۲). مقصود از دلیل عقل، درک قطعی عقل از حسن و قبح افعال یا ملازمه میان حکم شرعی و حکم عقلی است؛ به بیان دیگر، هرجا عقل به صورت یقینی حکمی صادر کند، شارع مقدس نیز بر همان اساس حکم خواهد داشت. از مهم‌ترین مبانی این جایگاه، اصل «کلما حکم به العقل حکم به الشرع» است که نشان‌دهنده همسویی عقل قطعی و شرع است (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷، ج۱، ص۴۵).

در هر صورت بسط دلیل عقلی در مسئله عدالت نسلی نشان می‌دهد که چگونه عقل سلیم، در کنار ادله نقلی، به وجوب رعایت حقوق نسل‌های آینده حکم کرده و برای یک فقیه، به عنوان حسن و قبح عقلی قابل استناد می‌باشد.

دلیل عقلی را می‌توان بر مبنای قبح عقلی ظلم اقامه نمود: مقدمه اول: ظلم به دیگری، قبیح است. این یک حکم بدیهی عقل عملی است که هر انسانی آن را درک می‌کند. مقدمه دوم (واقعیت علمی): ایجاد آلودگی‌های گسترده، مصرف بی‌رویه منابع، ایجاد تغییرات اقلیمی و مواردی از این قبیل، باعث آسیب قطعی و گاهی غیرقابل جبران به نسل‌های آینده می‌شود و آنان را از هوای پاک، آب سالم و محیط زیست پایدار محروم می‌سازد. نتیجه: بنابراین، عمل نسل حاضر که باعث ضرر به نسل‌های آینده می‌شود، مصداق ظلم است و عقل به طور مستقل، آن را قبیح می‌داند.

بنابراین می‌توان گفت عقل به طور مستقل قبح ظلم به آیندگان و حسن رفتار عادلانه با آنها را درک می‌کند و از آنجایی که به اعتقاد شیعه، بین حکم عقل و حکم شرع ملازمه وجود دارد (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع)، هرچه عقل آن را قبیح بشمارد، شرع نیز آن را ناروا می‌داند (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص۲۶۸؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج۱، ص۲۹). بنابراین، تعدی به حقوق نسل‌های آینده از نظر شرعی نیز مجاز نخواهد بود.

### ۳-۵: مؤید اخلاقی

فقه اسلامی چنان درهم‌تنیده با اخلاق است که نمی‌توان مؤمن و متعبدی را یافت که به واجبات و محرّمات پایبند باشد، اما از فضایل اخلاقی بی‌بهره و از رذایل اخلاقی گریزان نباشد. بدین جهت گفته شده است که جداسازی و تفکیک میان احکام فقهی و اصول

اخلاقی و بسنده کردن صرف به ظواهر احکام، روا و پذیرفته نیست؛ زیرا چنین رویکردی به معنای بی‌اثر ساختن مصالح تشریع، از میان بردن غایت دین و در نهایت نابودی سعادت حقیقی زندگی انسان خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ص۵۹).

در همین راستا اگر اخلاق در تعریفی عام، مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌ها قلمداد شود که رفتار انسان را در جهت خیر و فضیلت هدایت می‌کند، در این صورت رعایت خیر مشترک و ملاحظه مصالح دیگر آدمیان، اقتضا می‌کند حقوق کسانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند، اما زندگی آنان به نحو مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر تصمیمات نسل کنونی قرار خواهد گرفت نیز رعایت شود؛ چه اینکه از منظر اخلاقی، تعهد نسبت به نسل‌های آینده، بخشی از همان مسئولیت عام انسان نسبت به دیگران است. درست همان‌گونه که فرد موظف است در تعامل با هم‌عصران خود از ظلم و زیان‌رسانی بپرهیزد، نسبت به آیندگان نیز وظیفه دارد تا منابع طبیعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و فرهنگی را به گونه‌ای مدیریت کند که بستر زندگی آنان تخریب نشود.

بنابراین، اخلاق به معنای عام آن، اقتضا می‌کند که عدالت بین‌نسلی یک الزام اخلاقی باشد و نسل حاضر نمی‌تواند به بهانه بهره‌مندی موقت، میراث مشترک بشری را به گونه‌ای مصرف کند که فرصت زیست معقول از آیندگان سلب گردد.

### ۳-۶: رویکرد زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی (مؤید جمالی)

افزون بر ادله فوق‌الذکر، می‌توان زیبایی‌شناسی را به عنوان یک مؤید مستقل و مهم در جهت اثبات اهمیت عدالت بین‌نسلی مورد توجه قرار داد. این رویکرد که ریشه در حکمت و عرفان اسلامی دارد، بر این نکته تأکید می‌کند که حقیقت وجود، خیر و جمال است و خداوند متعال، جمیل و دوستدار جمال است. از این منظر، نظام آفرینش نه تنها براساس نظم و حکمت، بلکه براساس زیبایی و تناسب کامل بنا نهاده شده است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا؛ ما تَرَىٰ فِی خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِنْ تَفَاوُتٍ» (ملک/۳). همان‌گونه که مشاهده می‌شود این نظم و تناسب کامل، خود عین زیبایی است. حال اگر جهان هستی جلوگاه جمال الهی قلمداد گردد، انسان به عنوان

خلیفه و امین خداوند، وظیفه دارد نه تنها از منابع آن بهره‌برداری عادلانه کند، بلکه این آینه جمال را نیز برای آیندگان حفظ نماید. بنابراین، عدالت بین‌نسلی اقتضا می‌کند که نسل حاضر، حق نسل‌های آینده را در تماشای جمال الهی و لذت بردن از زیبایی‌های آفرینش محترم بشمارد. در همین راستا از بین بردن یک چشم‌انداز طبیعی منحصر به فرد، یا نابودی یک گونه جانوری زیبا، گویی پاره‌ای از این آینه را شکسته و خللی در امکان ادراک جمال الهی برای نسل‌های بعد ایجاد می‌نماید. چنین نگرشی، حفاظت از محیط زیست را به یک وظیفه معنوی و عبادی بدل می‌کند که در آن، رعایت حقوق آیندگان، پاسداشت زیبایی به مثابه یک ارزش الهی است. بدین ترتیب، عدالت نسلی در افقی برتر، در قلمرو زیبایی‌شناسی و معنویت ریشه می‌دواند و بدین وسیله، تکلیف نسل حاضر را سنگین‌تر و انگیزه او را برای حفظ طبیعت برای آیندگان مضاعف می‌کند.

## نتیجه‌گیری

مطابق آنچه گذشت پژوهش حاضر با واکاوی مستندات نقلی، آموزه‌های فقهی و قواعد اخلاقی، نشان داد که دغدغه عدالت و رعایت حقوق نسل‌های آینده، امری حاشیه‌ای نیست، بلکه در کانون معارف شریعت اسلامی قرار دارد و از پشتوانه‌ای استوار در مدارک دینی برخوردار است. خداوند در قرآن کریم، انسان را نه مالک مطلق، بلکه امین و عامل عمران در زمین معرفی کرده و بهره‌برداری او از نعمت‌های الهی را مشروط به رعایت اصل اعتدال و پرهیز از اسراف و افساد نموده است. سنت معصومین علیهم‌السلام نیز با تأکید بر امانت‌دانستن ثروت‌های طبیعی و نهی از تخریب محیط زیست، بر نگاه آینده‌نگر و مسئولیت‌پذیری نسلی تأکید می‌ورزد. همچنین قاعده فقهی نفی ضرر (لاضرر) با نگاهی جهان‌شمول، هرگونه اقدام یا سیاستی را که موجب انتقال ضررهای جبران‌ناپذیر به آیندگان شود، از اساس نفی می‌کند. افزون بر این، عقل سلیم به‌صورت مستقل، هرگونه ظلم و تبعیض علیه نسل‌های آینده را قبیح می‌داند. این مسئولیت، ریشه در مبانی اخلاقی نیز دارد و اخلاق به روشنی حکم می‌کند که نسل حاضر نمی‌تواند رفتاری با زمین داشته باشد که خود مایل نیست نسل‌های پیشین همان رفتار را با او می‌داشتند. علاوه

بر این، با بسط رویکرد زیبایی‌شناسی زیست‌محیطی، روشن می‌شود که دایره عدالت بین‌نسلی فراتر از تأمین نیازهای مادی و حیاتی آیندگان است و حق بهره‌مندی ایشان از نظم و جمال آفرینش را نیز در بر می‌گیرد. نسل حاضر نه تنها وارث منابع، بلکه امین جمال الهی در طبیعت است و محروم کردن نسل‌های بعد از این میراث گران‌بهای معنوی و زیبایی‌شناختی، خود مصداقی از بارزترین انواع بی‌عدالتی و تفویت مصالح عالیه بشری است.

## منابع

**قرآن کریم**.
**نهج‌البلاغه**، مؤسسه نهج‌البلاغه، قم، اول، ۱۴۱۴ق.
ابن‌فارس، ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا. (۱۴۰۴ق). **معجم مقائیس اللغة**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
استرآبادی، محمد بن علی بن ابراهیم. (۱۳۹۴ق). **آیات الأحکام**. تهران: کتابفروشی معراجی.
بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). **الحدائق الناضرة**. قم: جامعه مدرسین.
جرجانی، سید امیر ابوالفتح حسینی. (۱۴۰۴ق). **تفسیر شاهی**. تهران: انتشارات نوید.
حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**. بیروت: دارالفکر المعاصر.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. لبنان-سوریه: دارالعلم- الدار الشامیة.
زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس**. بیروت: دارالفکر.
سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۴۲۸ق). **الإکلیل فی إستنباط التنزیل**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
شوشتری، سید محمد حسن مرعشی. (۱۴۲۷ق). **دیدگاه‌های نو در حقوق**. تهران: نشر میزان.
شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۹ق). **ذکری الشیعة**. قم: مؤسسه آل البیت.
شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). **مسالك الأفهام**. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیة.
طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ق). **مجمع‌البیان**. بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). **التبیان**. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). **تهذیب الأحکام**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). **مختلف الشیعة في أحکام الشریعة**. قم: جامعه مدرسین.
علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). **تذکرة الفقها**. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). **تفسیر العیّاشي**. مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم. تهران: المطبعة العلمیة.

فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله. (۱۴۲۵ق). **کنز العرفان**. قم: انتشارات مرتضوی.
فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). **کشف اللثام**. قم: جامعه مدرسین.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**. قم: نشر هجرت.
قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ق). **قاموس قرآن**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا. (۱۳۸۱ق). **النور الساطع في الفقه النافع**. نجف: مطبعة الآداب.
کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد**. قم: مؤسسه آل البیت.
کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). **الکافي**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
مرعشی شوشتری، سید محمد حسن. (۱۴۲۷ق). **دیدگاه‌های نو در حقوق**. تهران: نشر میزان.
مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱ق). **مائة قاعدة فقهیة**. قم: جامعه مدرسین.
مطهری، مرتضی. (۱۴۰۳ق). **بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی**. تهران: انتشارات حکمت.
مطهری، شهید مرتضی. (۱۳۷۶). **فقه و حقوق** (مجموعه آثار). قم: صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۲ق). **بحوث فقهیة هامة**. قم: انتشارات مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (ع).
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). **دائرة المعارف فقه مقارن**. قم: انتشارات مدرسه امام علی.
منتظری، حسینعلی. (۱۴۲۹ق). **مجازات‌های اسلامی و حقوق بشر**. قم: ارغوان دانش.
نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۷ق). **عوائد الأیام**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). **مستدرك الوسائل**. بیروت: مؤسسه آل البیت.
هاشمی شاهرودی، سیدمحمود و دیگران. (۱۴۲۶ق). **فرهنگ فقه**. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.